

چشم انداز صلح خاورمیانه و تحولات اخیر در اسرائیل و فلسطین

محمود دهقانی

چکیده

چشم انداز صلح خاورمیانه پس از تغییر و تحولات گسترده‌ای فضای سیاسی اسرائیل و فلسطین هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد. تحولاتی که در صحنه‌ی سیاسی اسرائیل، حذف آریل شارون و تقویت مشی میانه روی سیاسی و پیروزی غیرمنتظره و چشمگیر حماس در فلسطین را نوید می‌دهد که در مواضعشان بعد از پیروزی همواره از گفتگو و رایزنی و تعامل با جهان سخن گفته‌اند. این تحولات خود به معنای آن است که بابه حاشیه رفتن اندیشه‌های افراطی و خشونت بار در اسرائیل و رویکرد مثبت افکار عمومی و رهبران جناحهای مختلف فلسطینی به کارایی شیوه‌های سیاسی و استفاده از ابزارهای دیپلماسی، این خوش بینی واقع گرایانه به ذهن متبادر می‌شود که گرچه ناگشوده‌ی طولانی‌ترین مناقشه‌ی تاریخ به دست حماس و حزب حاکم در اسرائیل (کادیما) می‌تواند باز شود. چشم انداز صلح خاورمیانه پس از این تحولات، بازگشت آرامش به منطقه؛ رویکرد احزاب کادیما، لیکود و کارگر به تحولات جدید و کاهش خشونت‌ها و آغاز مذاکرات صلح از سوی حماس از جمله دغدغه‌های نویسنده در این مقاله می‌باشند. به اعتقاد نویسنده‌ی مقاله، جامعه‌ی فلسطینی خسته از نیم قرن سرکوب و نابسامانی در نهایت راه حل دو دولت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی غزه و کرانه‌ی باختری را خواهند پذیرفت.

کلید واژه‌ها

میانه روی، مشت آهنین، یک جانبه گرایی، صلح خاورمیانه.

درآمد



تأسیس «کادیم» نشان داده و به نظر می‌رسد که دو حزب سنتی اسرائیل، کارگر و لیکود، در انتخابات پارلمانی مارس نتوانند اکثریت کرسیهای پارلمان را به دست آورند. این تغییرات گسترده‌ی سیاسی محدود به اسرائیل نبود و فضای سیاسی در فلسطین نیز به مانند اسرائیل با برگزاری انتخابات مجلس قانون‌گذاری در ماه ژانویه و پیروزی غیرمنتظره و چشمگیر جنبش حماس دچار تغییرات گسترده‌ای گردید. حماس، منتقد صریح مذاکرات دولت خودگردان در طول دو دهه گذشته با تل آویو و مهم‌ترین، مؤثرترین و فعال‌ترین نیروی نظامی بر علیه اسرائیل در فرآیندی شرکت جست و پیروز گردید که خود محصول و متولد مذاکرات صلح اسلو بود. موفقیت این گروه اسلام‌گرا به زمینه‌ها و علل متفاوتی باز می‌گردد که مقاله حاضر به آنها اشاره خواهد نمود. این تغییرات گسترده در فضای سیاسی اسرائیل و فلسطین سؤالات بی‌شماری را پیش روی تحلیل‌گران قرار داده است. تأثیر تحولات در هر کدام از طرفهای مناقشه‌ی خاورمیانه قطعاً تأثیراتی بر طرف دیگری بر جای خواهد گذاشت. مقاله حاضر با بررسی کوتاه تحولات رخ داده در چند ماه اخیر در اسرائیل و فلسطین به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال اساسی و کلیدی است که چشم‌انداز صلح خاورمیانه پس از این تحولات چگونه خواهد بود؟ و آیا پس از گذشت ۵ سال خشونت و سرکوب، منطقه می‌تواند شاهد

در چند ماه اخیر تغییرات و تحولات گسترده در فضای سیاسی اسرائیل و فلسطین اخبار همیشگی از ترور و خشونت و سرکوب پیرامون منازعه‌ی اسرائیل و فلسطین را تحت الشعاع خود قرار داده است. فضای سیاسی اسرائیل طی ماههای گذشته دستخوش تغییرات عمده‌ای گردید و می‌توان گفت سیمای سیاسی اسرائیل تغییر کرده است. تغییر در کادر رهبری دو حزب اصلی لیکود و کارگر و تشکیل حزب جدید کادیم در تاریخ ۵۸ ساله اسرائیل امری بدیع، قابل توجه و به زعم برخی تحلیل‌گران زلزله‌ای سیاسی در اسرائیل بوده است. از تحولات اخیر اسرائیل می‌توان چنین استنباط نمود که قطب‌بندی متفاوتی در صحنه‌ی سیاسی اسرائیل شکل گرفته است. کناره‌گیری و حذف دو رهبر قدیمی که هر کدام در جبهه راست‌گرایان و چپهای اسرائیل به عنوان نماد مطرح بودند نشانگر آغاز فصل جدیدی در فضای سیاسی - اجتماعی اسرائیل است، فضایی که در آن رادیکالیسم بیش از گذشته به حاشیه رفته و مشی میانه‌روی سیاسی تقویت می‌گردد. آریل شارون که تاریخ اسرائیل با نام وی عجین شده است از صحنه‌ی سیاست اسرائیل حذف گردید در حالی که میراث سیاسی شارون باقی ماند. اینک افکار عمومی در اسرائیل در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی، همسویی و قرابت بیشتری با حزب تازه

دور تازه‌ای از آرامش باشد؟ رویکرد احزاب کادیمیا، لیکود و کارگر به مجموعه تحولات اخیر چیست؟ و در صحنه فلسطین آیا حماس کاهش خشونت‌ها و آغاز مذاکرات صلح را تجربه خواهد کرد؟

در بخش نخست این مقاله تحولات سیاسی اخیر در اسرائیل (تغییرات در حزب لیکود، کارگر، تشکیل حزب کادیمیا و تبعات حذف شارون از صحنه سیاسی اسرائیل) بررسی می‌شود و سپس با بررسی علل و زمینه‌های پیروزی حماس، تأثیرات پیروزی حماس بر طرفهای دخیل در مناقشه خاورمیانه‌ی بررسی می‌گردد و در بخش پایانی چشم‌انداز صلح خاورمیانه پس از تحولات اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- بررسی تحولات سیاسی اخیر اسرائیل

۱-۱- تغییرات در حزب لیکود

آریل شارون یکبار دیگر در سن ۷۷ سالگی خبرساز شد. شارون نماینده‌ی اردوگاه راست‌گرایان اسرائیل طی چند دهه گذشته، فرمانده‌ی جنگهای ادواری اسرائیل بر ضد فلسطینیها و اعراب، عامل و مشوق ساخت و توسعه شهرکهای یهودی‌نشین در اراضی اشغالی، سردمدار دیروز نیروهای افراطی و رادیکال یهود و پایه‌گذار حزب دست‌راستی لیکود، در ۲۱ ماه نوامبر سال ۲۰۰۵ (اوایل آذرماه سال گذشته) با اعلام کناره‌گیری از حزب

لیکود و تقاضای انحلال پارلمان، نیت خود را برای تشکیل حزب جدیدی در اسرائیل اعلام نمود. شارون که طی ۲ سال اخیر در جدالی همیشگی با هم حزبیهای تندرو و رادیکال خود به سر می‌برد، دریافت که ادامه‌ی فعالیت

سیاسی در لیکود دیگر امکان‌پذیر نیست. طرح جنجالی شارون موسوم به «طرح متارکه» که پس از کش و قوسهای فراوان در حزب لیکود، کابینه و پارلمان در نهایت در تابستان گذشته عملی گردید، زمینه‌های بروز تشتت و شکاف در طیف راست‌گرایان را آشکارتر و خطوط فکری بین رادیکالها و تندروهای اسرائیلی را مشخص‌تر از گذشته نمود. شارون که برای تصویب طرح خروج ارتش اسرائیل از بخشهایی از اراضی اشغالی (خروج از غزه و قسمتهای کوچکی از شمال کرانه باختری) از مساعدت احزاب کوچک‌تر مؤتلف با لیکود ناامید شده بود، با همراهی حزب کارگر به رهبری شیمون پرز، رقیب پیشین و هم‌ردیف فعلی خود توانست ایده خود را عملی سازد.^(۱)

مشکلات شارون با هم حزبیهایش در تصویب بودجه‌ی مالی سالانه و انتصاب وزرای نزدیک به خود نیز در ماههای منتهی به جدایی‌اش از لیکود مشهود بود. در ورای جدلهای سیاسی، نظرسنجیهایی نیز که بعضاً منتشر می‌شد بر آن دلالت داشت که افکار عمومی اسرائیل پس از رویارویی ۴ ساله با دور تازه‌ای از خشونت و ترور در جدال با فلسطینیها،

بیش از گذشته به ایده‌های افراطی و خشونت بار (مبنی بر تداوم اشغالگری و سلطه بر فلسطینیها) بی‌اعتنا شده و خواستار حل مناقشه با فلسطینیها در چارچوب ایجاد دو کشور است.^(۲)

در چنین فضایی محتمل به نظر می‌رسید که

آریل شارون حزبی را که از بدو تأسیس آن در

سال ۱۹۷۳ تاکنون یکی از مهره‌های کلیدی آن

محسوب می‌شد، ترک کند و صف خود را از

طیف تندرو و رادیکال سیاسی و مذهبی لیکود

جدا سازد. شارون بلافاصله پس از کناره‌گیری

از لیکود به وعده‌ی قبلی خود مبنی بر تشکیل

یک حزب جدید عمل نمود و حزب «پیشرو»

(کادیم‌ها به زبان عبری) را بنیان نهاد. ترک حزب

حاکم توسط رهبر آن در دوره‌ی ریاست بر

کابینه در تاریخ اسرائیل بی‌سابقه بوده است

بلافاصله پس از تشکیل حزب جدید پیشرو

افراد شاخص در لیکود همچون اهود المرت

(کفیل نخست وزیر)، موفاز وزیر دفاع و لیونی

وزیر دادگستری به حزب تازه تأسیس شارون

پیوستند. حزب پیشرو با شعار «اسرائیل

می‌خواهد با سرعت به جلو رود» و «شارون

یک رهبر قوی برای صلح است»، کار خود را

برای پیروزی در انتخابات پارلمانی ماه مارس

آغاز کرد. تاکنون هیچ حزب سومی در

انتخابات اسرائیل نتوانسته است پیروز شود، اما

حزب تازه تأسیس «پیشرو» از نوع دیگری

است. پس از جدایی شارون از لیکود، رقیب و

منتقد همیشگی سیاستهای وی در حزب لیکود،

بنیامین نتانیاهو بار دیگر به رهبری حزب لیکود

انتخاب شد. پس از تحولات رخ داده در لیکود

و بر طبق نظرسنجیهای لیکود محبوبیت خود

نزد رأی‌دهندگان اسرائیل را از دست داده

است.

۱-۲- بررسی تغییرات در حزب کارگر

تغییر و تحولات حزب رقیب لیکود یعنی

کارگر نیز غیرمعمول بود. در انتخابات داخلی

حزب کارگر که در روز ۱۰ نوامبر سال گذشته

میلادی برگزار گردید، فردی ناشناخته در فضای

سیاسی اسرائیل، اما مشهور در بین اصناف و

اتحادیه‌های کارگری به نام امیر پرتز توانست

شیمون پرتز رهبر کارکنان و قدیمی حزب

کارگر را شکست دهد. رهبر جدید ۵۴ ساله

حزب کارگر که متولد مراکش است و دوران

کودکی خود را در اردوگاههای مهاجران

گذرانده است، اولین سفاردی (مهاجران منطقه

خاورمیانه و شمال آفریقا) است که به رهبری

یکی از دو حزب اصلی در اسرائیل می‌رسد. او

توانست در انتخابات داخلی آراء ۴۲ درصد از

رأی دهندگان را کسب نماید، در حالی که پرتز

تنها موفق به کسب ۳۹ درصد از آرا گردید.

نتیجه انتخابات داخلی حزب کارگر آن قدر غیر

منتظره بود که پرتز چند روز بعد در اقدامی قابل

توجه از حزب کارگر جدا و به حزب تازه تأسیس

«کادیم» پیوست. پرتز اولین شعار انتخاباتی

خود را عملی نمود و بلافاصله پس از پیروزی، از ائتلاف با حزب حاکم لیکود خارج گردید. او معتقد بود که حزب کارگر از مشی و رویکرد اصلی خود یعنی پایبندی به اصول و مبانی سوسیالیزم و توسعه عدالت اجتماعی دور گردیده است و از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی بیش از حد به خط مشی لیکود نزدیک شده بود. پرتز اولین رهبر از زمان نخست وزیری لوی اشکول در سال ۱۹۶۳ (از حزب کارگر) است که برای نخست وزیری اسرائیل تلاش می کند، بی آنکه برنامه ی مشخصی برای امنیت ملی اسرائیل و یا اولویت دادن به سیاست خارجی داشته باشد. تأکید امیر پرتز بر عدالت اجتماعی و مبارزه با تبعیضها و نابرابریها ریشه در خاستگاه اجتماعی وی دارد. او به طور مستقیم با تبعیضهای اجتماعی بین اشکنازیها و سفار دیها در اسرائیل رو در رو بوده است.

در شرایطی که عمری شارون فرزند آریل شارون به اتهام کمک مالی غیرقانونی و سوء استفاده های مالی در هنگام تبلیغات انتخاباتی پدرش تحت تعقیب و محاکمه قرار داشت، پرتز تلاش نمود خود را کاندیدایی معرفی نماید که مخالف الیگارشسی حاکم بر اسرائیل و پایبند به آموزه های سوسیالیزم می باشد. وی در خانه ای متوسط در یک شهر مرزی فقیرنشین ساکن است. اگر چه اسرائیل از رکود اقتصادی ۴ ساله (در پی انتفاضه الاقصی) خارج گردیده است و رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۰۵

افزایش یافته و به گفته استنلی فیش، رئیس بانک اسرائیل، رشد اقتصادی اسرائیل در سال ۲۰۰۶، ۴/۳ درصد تخمین زده می شود و درآمد سرانه آن ۱۷۴۰۰ دلار اعلام شده است، اما آمار دیگری حکایت از وجود فقر و نابرابریهای گسترده در سطح جامعه اسرائیل دارد. مؤسسه ی بیمه مالی اسرائیل اعلام نمود که ۳۰ درصد از کل کودکان اسرائیلی و حدود ۲۰ درصد از کل جمعیت اسرائیل زیر خط فقر هستند. (۳) بنیامین نتانیا هو، وزیر دارایی سابق شارون با اعمال سیاست ریاضت اقتصادی که همراه با کاهش برخی یارانه ها (از جمله کاهش یارانه ها و هزینه های فوق العاده برای خانواده های پر جمعیت اسرائیلی) بود توانست به رشد اقتصادی مطلوبی دست یابد، اما سیاستهای وی نارضایتیهایی را نیز به دنبال داشت. در این بین پرتز تبلیغات خود را بر این متمرکز کرده بود که یارانه ها و مقرری مستمری بگیران و نیز یارانه مسکن شهروندان را افزایش دهد.

این سیاستهای اعلامی پرتز از خاستگاه سفاردی وی و توانایی اش برای درک نابرابریهای اجتماعی نشئت گرفته است. کاهش خشونتها و بهبود اوضاع امنیتی طی یک سال گذشته، اخبار فساد مالی خانواده ی شارون و شعارهای سوسیالیستی و عامه پسند وی، نقطه ی اتکایی برای پرتز در انتخابات آتی خواهد بود. او تلاش می کند تمایزات فکری و اجرایی خود با لیکود و حزب تازه تأسیس شارون را

بیشتر در مورد مسائل اقتصادی تا در مورد مسائل مربوط به سیاست خارجی و امنیت ملی نمایان سازد.

پرتز تحرکات یک جانبه در خصوص صلح با فلسطینیها را نپذیرفته و علاوه بر تعهد خود به «نقشه راه» و پایبندی به تشکیل دو دولت، هرگونه شهرک سازی جدید در بلوکهای پر جمعیت نزدیک به خط سبز (خط مرزی ژوئن ۱۹۶۷) را رد کرده است. پرتز بر دکترین سنتی حزب کارگر یعنی ایده «زمین در برابر صلح» اصرار دارد و خواهان تخلیه اراضی فلسطینیهاست. نائوم بارنا، تحلیل گر هاآرتص معتقد است که بیش از ۲۰ درصد اسرایلیها علاقه مند به رویکردهای چپ در اسرائیل که امتیازاتی برای فلسطینیها قائل می شود، نیستند و اگر وی خود را محصور در چنین شعارهایی نماید، شکست خواهد خورد. شکست باراک از شارون در انتخابات سال ۲۰۰۰ به دلیل آن بود که اغلب اسرایلیها معتقد بودند که وی امتیازاتی سخاوتمندانه به طرف فلسطینی پیشنهاد نموده است.^(۴)

چه تمام تر به مقابله با انتفاضه الاقصی برخاست. او شهرها و اردوگاههایی را که طبق معاهده ی اسلو در اختیار دولت خودگردان بود، مجدداً به تصرف ارتش اسرائیل در آورد، عرفات رهبر فقید فلسطینیها را محبوس و منزوی نمود و به نوعی موجبات مرگ وی را فراهم آورد، به ترورهای هدفمند رهبران و فعالان جنبشهای جهادی دست زد و با اعمال فشار و تخریب منازل و مزارع فلسطینیها، عرصه ی زندگی را بیش از گذشته بر آنها تنگ نمود. گرچه انتفاضه همچنان ادامه داشت، اما آنچه در صحنه مشاهده می شد آن بود که توان عملیاتی و انسجام مبارزان به ویژه پس از ترور شیخ یاسین و عبدالعزیز الرنتیسی رهبران حماس کاهش یافت. شرایط وخیم اقتصادی و اوضاع نابسامان اجتماعی در اراضی اشغالی به حدی رسیده بود که پس از مرگ عرفات محمود عباس جانشین وی تداوم خشونتها بر ضد اسرائیل را دیگر در راستای منافع فلسطینیها نمی دانست و خواستار پایان انتفاضه و شرکت گروههای جهادی در فرآیندهای سیاسی گردید.

۱-۳-۲- سیاست یک جانبه گرایی

دومین ویژگی دوران شارون، اعمال سیاست یک جانبه گرایی بود. شارون منتقد مذاکرات دو جانبه با فلسطینیها بود و اعتقاد داشت که شریک مناسبی برای صلح در میان فلسطینیها وجود ندارد. به همین دلیل، وی عرفات را از همان ابتدای دوره ی نخست وزیری اش (پس

۱-۳-۳- میراث شارون در دوره ی ۵ ساله نخست وزیری

۱-۳-۱- سیاست مشت آهنین
شارون پس از پیروزی در انتخابات فوریه سال ۲۰۰۱ بر نامزد حزب کارگر، با اعلام سیاست «مشت آهنین» بر ضد فلسطینیها، با شدت هر

از شکست مذاکرات صلح کمپ دیوید) در مقر خود در رام ... محبوس ساخت. ساخت دیوار حایل امنیتی که شارون آن را برای امنیت اسرائیل و جلوگیری از ورود مبارزان فلسطینی ضروری می دانست اقدامی یک جانبه، خلاف قوانین و هنجارها و ناقض تمام معاهدات بین المللی محسوب می شود. احداث این دیوار که بیش از یک سوم از آن به پایان رسیده است اراضی بیشتری را در آن سوی خط سبز (ژوئن ۱۹۶۷) به اشغال اسرائیل در خواهد آورد و در صورت تداوم ساخت آن بیت المقدس شرقی از اراضی کرانه غربی جدا خواهد شد. دومین و مهم ترین اقدام یک جانبه وی، اجرای طرح جداسازی (متارکه) بود که پس از بحث و جدلهای فراوانی در بین جبهه راست گرایان اسرائیل و مخالفت شدید شهرک نشینان و نیروهای مذهبی افراطی با آن، در تابستان گذشته تحقق یافت. شارون هدف اجرایی این طرح را تأمین امنیت اسرائیل می دانست. برای شخصی که زندگی سیاسی خود را در طول سالهای متمادی صرف توسعه و گسترش شهرکهای یهودی نشین در اراضی اشغالی کرده

۱-۳-۳- تأسیس حزب جدید

سومین ویژگی مهم دوران نخست وزیری شارون، که آن را می توان در امتداد تغییر نگاه او به مسائل پیش روی اسرائیل تلقی کرد، جدایی از حزب حاکم لیکود و تشکیل حزب جدید کادیما (پیشرو) بود. شارون این بار با شعار صلح طلبی و افزایش امنیت برای اسرائیل وارد عرصه سیاست اسرائیل گردید. آریل شارون تغییر کرد و یا اگر بهتر بگوییم مجبور به تغییر شد. توانایی بالای وی برای ائتلاف و رایزنی با طیفهای گسترده ی سیاسی و مذهبی و تلاش و پی گیری وی برای عملی نمودن ایده ها و افکارش و موفقیت در عمل به وعده هایش سبب گردیده که حزب کادیما حتی در غیاب وی در نظرسنجیهای اخیر محبوبیت بیشتری نسبت به احزاب سنتی اسرائیل یعنی لیکود و کارگر کسب نماید.

۲- بررسی تحولات سیاسی در فلسطین

تحولات سیاسی در فلسطین حول پیروزی چشمگیر حماس در انتخابات پارلمانی می باشد. در این بخش ابتدا به پیشینه و سیاستهای این جنبش و سپس به زمینه ها و علل پیشروی حماس پرداخته خواهد شد.

بود، خروج از نوار غزه و چند شهرک در شمال کرانه ی غربی بسیار دردناک بود. اما وی و همفکرانش به این نتیجه رسیده بودند و به این باور نزدیک شده بودند که تداوم اشغالگری و سلطه بر فلسطینیها تا ابد نمی تواند ادامه یابد. مخالفت تندروها در احزاب و گروههای سیاسی

۲-۱- بررسی پیشینه حماس

با سیاستهای رسمی ساف، دولت خودگردان و کمیته مرکزی جنبش فتح قرار گرفت. حماس توافقات به دست آمده در مذاکرات مادرید و اسلو را نامشروع می‌دانست و حامیان این مذاکرات را سازشکار معرفی می‌نمود و از اینکه انتفاضه‌ی فلسطینیها به دلیل مذاکرات صلح متوقف مانده عرفات و دیگر رهبران جنبش فتح را مورد نکوهش قرار می‌داد. حماس این مواضع اعلام شده را در صحنه‌ی عمل نیز دنبال می‌کرد و بدون توجه به تعهدات تشکیلات سیاسی تازه تأسیس به دولت اسرائیل در جریان مذاکرات، همواره حملاتی را بر ضد منافع اسرائیل ترتیب می‌داد.^(۵) حماس به دلیل آنکه توافقات حاصله از مذاکرات اسلو را به رسمیت نمی‌شناخت، اولین دوره انتخابات مجلس قانون‌گذاری فلسطین در سال ۱۹۹۶ را تحریم نمود. پس از تشکیل دولت خودگردان، جامعه‌ی بین‌الملل متعهد به پرداخت کمکهای مالی به تشکیلات فلسطینی گردید و سالیانه میلیونها دلار به دولت خودگردان تحت رهبری عرفات و اعضای جنبش فتح پرداخت می‌نمود. در مقطع زمانی ده ساله (۲۰۰۶-۱۹۹۶) تحولات در اراضی اشغالی به گونه‌ای پیش رفت که حماس از یک نیروی شبه نظامی مخالف دولت خودگردان و منتقد فرآیندهای سیاسی به نیروی برتر سیاسی در صحنه‌ی سیاست فلسطین تبدیل گردید.

جنبش حماس در سال ۱۹۸۷ هم‌زمان با آغاز انتفاضه فلسطینیها و در شرایطی به وجود آمد که اسرائیل پس از گذشت چند دهه از اشغال اراضی فلسطینیها، تلاش خود را معطوف به ساخت و توسعه‌ی شهرکهای یهودی‌نشین در اراضی اشغالی و افزایش محدودیتها بر ضد فلسطینیها نموده بود و رهبران مبارز نسل اول فلسطین همگی در تبعید به سر می‌بردند. حماس که شاخه‌ای از جنبش اخوان المسلمین تلقی می‌گردد قبل از آغاز مبارزات مسلحانه علیه اسرائیل و تدوین خطمشی سیاسی جدید، در امور خیریه و خدمات‌رسانی به طبقات مختلف جامعه‌ی فلسطین، فعالیت می‌نمود. مواضع حماس پس از تأسیس توسط شیخ یاسین، رهبر فقید حماس، روشن و شفاف به نظر می‌رسید: نامشروع بودن رژیم اسرائیل و لزوم نابودی آن و نیز آزادی تمامی اراضی اشغالی از سیطره‌ی صهیونیستها از طریق مبارزه‌ی مسلحانه. شش سال مبارزه خشونت‌آمیز علیه اسرائیل طی انتفاضه اول (۱۹۹۳ - ۱۹۸۷) با انجام مذاکرات میان رهبران سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دولت اسرائیل و سرانجام امضای موافقتنامه صلح اسلو (۱۹۹۳) پایان یافت. پس از امضای موافقتنامه اسلو و تشکیل دولت خودگردان به رهبری عرفات و به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل، سیاستهای اعلامی جنبش حماس در تضاد کامل

۲-۲- زمینه‌های موفقیت حماس در انتخابات اخیر

۲-۱-۲- طی دهه‌ی ۹۰ و پس از تشکیل دولت خودگردان (براساس توافق اسلو) مذاکرات متعددی بین رهبران اسرائیلی و فلسطینی با میانجیگری و نظارت طرفهای خارجی صورت پذیرفت. اسرائیل در این مذاکرات همواره در قبال دادن امتیازات محدودی به طرف فلسطینی، علاوه بر تحکیم سیطره‌ی خود بر تمامی اراضی اشغالی، از دولت خودگردان و نیروهای امنیتی آن می‌خواست تا با گروههای جهادی مبارزه کنند و آنها را خلع سلاح نمایند. مذاکرات و طرحهای متعدد صلح به دلیل آنکه خواستها و حقوق مردم فلسطین در آنها لحاظ نمی‌شد و اسرائیل به تعهد قبلی خود پایبند نمی‌ماند، در عمل، نتیجه‌ای در بر نداشت. شکست مذاکرات صلح کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰ و روی گردانی اسرائیل از عرفات و دولت خودگردان به دلیل ناتوانی در اجرای خواستهای اسرائیل و عدم تحقق مفاد نقشه راه که در سال ۲۰۰۲ توسط گروه چهار جانبه شامل آمریکا، اروپا، سازمان ملل و روسیه برای پایان دادن به خشونتها و تشکیل دولت مستقل فلسطینی تدوین شده بود، نشان از آن داشت که مناقشه فلسطینی - اسرائیلی در پای میز مذاکره پایان نمی‌پذیرد. از این رو، جریانهای مبارزی چون حماس با انتقاد از رویکرد عرفات و همفکرانش رسیدن به آرمان فلسطین و رهایی از اشغالگران را در مقاومت و

مبارزه با تل آویو جستجو می‌کردند. شکست مذاکرات دو جانبه و ناتوانی فتح در استیفای حقوق فلسطینیها یکی از بسترهای موفقیت حماس در انتخابات اخیر بود.

۲-۲-۲- انتفاضه الاقصی مدت زمانی پس از شکست مذاکرات صلح کمپ دیوید در سپتامبر سال ۲۰۰۰ آغاز گردید. با آغاز انتفاضه، حماس که در میان گروههای جهادی مبارز از برجستگی و انسجام تشکیلاتی بهتری برخوردار می‌بود، سردمدار مقاومت علیه اسرائیل گردید و در طی ۴ سال انتفاضه الاقصی، دهها عملیات استشهادی علیه شهروندان اسرائیلی انجام داد و بارها به پرتاب موشک و راکت به شهرکهای یهودی نشین در کرانه غربی و نوار غزه اقدام نمود. در طرف مقابل ارتش اسرائیل نیز با اعمال سیاست «مشت آهنین» آریل شارون، علاوه بر آنکه شهرهای فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه را مجدداً به طور کامل تحت کنترل خود در آورد، با انجام ترورهای هدفمند رهبران ارشد حماس از جمله شیخ یاسین و عبدالعزیز الرنتیسی، در پی تضعیف توان رهبری حماس برآمد. اگر چه با شدت عمل ارتش اسرائیل بر ضد مبارزان که با تخریب منازل و مزارع و دستگیری گسترده‌ی آنها همراه بود، انتفاضه خاموش نشد، اما مسلم بود که شرایط بد اقتصادی و محدودیتهای گسترده‌ی اعمال شده برای تردد فلسطینیها، شرایط را برای آنها به خصوص ساکنان نوار غزه سخت تر از گذشته

نموده و از توان عملیاتی مبارزان کاسته شده است، مقاومت حماس علیه اسرائیل محبوبیت جنبش را بین افکار عمومی فلسطینیها بالا برده بود. موفقیت اخیر حماس تا حدودی نیز مرهون مقاومت جنبش در یک نبرد طولانی و خونین است.

۲-۲-۳- مرگ یاسر عرفات در نوامبر سال ۲۰۰۴ فصل تازه‌ای از حیات سیاسی فلسطینیها را به دنبال داشت. جنبش حماس همواره در طول سالهای رهبری عرفات و جنبش فتح دولت خودگردان، رهبران فتح و وابستگان به این جنبش را به ناکارآمدی، ناتوانی و فساد مالی متهم می‌نمود. فتح با آنکه سالهای متمادی تنها میدان‌دار صحنه‌ی سیاست در فلسطین بود، اما هیچ‌گاه نتوانست در ابتدایی‌ترین وظایف محوله (حتی در امور مربوط به خدمات شهری و خدمات رسانی اجتماعی) موفق باشد. علاوه بر این ناکارآمدی، دولت خودگردان در برخورد با شبه‌نظامیان نیز ناموفق بود و نتوانست نظم و قانون را در شهرهای کرانه غربی و غزه (که براساس توافق غزه - اریحا در کنترل دولت فلسطین بود) برقرار سازد. اما مهم‌ترین وجه انتقادی حماس و دیگر گروههای فلسطینی در داخل و خارج و حتی نسل جوان تر جنبش فتح به نسل قدیمی جنبش و رهبران فلسطین، اتهام فساد مالی بود. در طول سالهای اخیر، جامعه بین‌المللی (اروپا، جهان عرب، سازمانهای غیر دولتی نهادهای بشر دوستانه و...) میلیونها دلار

به دولت خودگردان کمک می‌نمودند. این هدایا و کمکهای مالی (به اضافه ماهیانه ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار که اسرائیل بابت عوارض و گمرکات به دولت خودگردان پرداخت می‌نمود) بیش از آنکه صرف آبادانی و سازندگی و هزینه‌های جاری مردم فلسطین گردد، بین وابستگان جنبش فتح و اعضای دولت خودگردان تقسیم می‌گردید. در انتخابات شهرداریها و شوراهای محلی که در سال گذشته میلادی در مناطق مختلف فلسطینی برگزار گردید، نمایندگان منسوب به جنبش حماس موفقیت‌های گسترده‌ای را کسب نمودند و علاوه بر آنکه در نوار غزه بر نامزدهای فتح برتری کامل داشتند، در قسمتهایی از کرانه غربی نیز آرای نزدیک به فتح داشتند. عملکرد مطلوب شهرداریها در زمان تصدی اعضای حماس در طول یک سال و شعار حماس مبنی بر مبارزه با فساد نیز در پیروزی حماس در انتخابات اخیر مؤثر بود.^(۶) فقدان یاسر عرفات در صحنه‌ی سیاست فلسطین تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدتی بر جای گذاشت و فضای تازه‌ای را برای مشارکت سایر احزاب و گروههای فلسطینی به وجود آورد. حماس اگر چه در انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۵ (انتخابات ریاست دولت خودگردان) شرکت نکرد، اما آمادگی خود را برای شرکت در انتخابات پارلمان و انتخابات شورای محلی اعلام نمود. رهبران حماس در اوایل سال ۲۰۰۵ با آتش بس موقت با اسرائیل موافقت نمودند و

اگر چه بر مواضع قبلی خود مبنی بر عدم به رسمیت شناختن اسرائیل صحنه می گذاشتند، اما دیگر سخن از لزوم نابودی اسرائیل بر زبان جاری نمی کردند. حماس در ماههای منتهی به انتخابات پارلمانی تمام تلاش خود را برای جلب افکار عمومی به کار برد و با شعار «دولت خوب» برای مردم فلسطین پا به عرصه‌ی انتخابات گذاشت. در این بین تهدیدهای مکرر آمریکا و اسرائیل مبنی بر مشارکت حماس در انتخابات و هراس از پیروزی حماس در انتخابات نیز مشهود بود.

۲-۳- حماس پس از پیروزی

نامزدهای منسوب به حماس موفق به کسب ۷۴ کرسی از مجموع ۱۳۲ کرسی پارلمان گردیدند و جنبش فتح موفق به کسب ۴۵ کرسی گردید. اگرچه این اکثریت کافی بود که حماس خود رأساً به تشکیل دولت اقدام کند، اما رهبران حماس در اولین مواضع خود از جنبش فتح برای پیوستن به دولت دعوت کردند، دعوتی که بدون پاسخ باقی ماند. حماس از بدو تأسیس تا قبل از پیروزی در انتخابات پارلمانی مهم‌ترین مخالف وضع موجود در اراضی اشغالی و رویکردهای دولت در برخورد با اسرائیل بود. از دیدگاه ناظران سیاسی، حماس بیش از آنکه یک نیروی فعال سیاسی در صحنه‌ی فلسطین شناخته شود، یک نیروی اجتماعی تلقی می شد که منتقد سیاستهای دولت فلسطینی

است. البته شاخه‌ی عملیاتی و نظامی این جنبش (گردانهای قسام) نیز معروفیت داشت. با پیروزی غیرمنتظره‌ی حماس، نقش حماس در صحنه‌ی سیاست تغییر کرده و حماس دیگر نه یک نیروی مخالف سیاستهای فتح و حکومت خودگردان بلکه به نیرویی سیاسی تبدیل گردیده است که وظیفه تشکیل دولت، سامان بخشی به اوضاع نابسامان داخلی فلسطین، پایبندی به شعارها و عمل به تعهدات درخصوص مبارزه با ناکارآمدی عناصر دولت گذشته، فساد و رشوه خواری را بر عهده دارد. بدیهی است که شعارها و رویکردهای یا جریان، حزب و یک نیروی فعال سیاسی در قبل و بعد از رسیدن به قدرت یکسان نمی باشد. حماس از این پس مسئولیت سامان دهی به اوضاع امنیتی و انتظامی شهرها و روستاهای کرانه غربی و نوار غزه را بر عهده دارد و خود مسئول حفظ امنیت و مقابله با ناامنی و بی ثباتی است. احتمال پیوستن گردانهای «عزالدین قسام»، شاخه‌ی نظامی جنبش حماس، به ارتش فلسطین چندی قبل از قول برخی رهبران حماس نقل شده بود.

موقعیت حماس به اعتقاد نگارنده بیش از آنکه به اهداف، اصول و مبانی فکری اعلام شده حماس در سال ۱۹۸۷ (لزوم نابودی اسرائیل و نامشروع دانستن دولت یهود) مربوط باشد، نوعی واکنش افکار عمومی فلسطین به نارساییهای موجود، افزایش فقر و نهادینه شدن

فساد مالی در تشکیلات دولت خودگردان می‌باشد. حماس با استفاده از شکاف بین نسلهای جدید و قدیم فتح و بهره‌گیری از انسجام داخلی و توانایی بالای تشکیلاتی و نیز با تکیه بر سالها مبارزه و مقاومت در عرصه‌ی نظامی توانست به این پیروزی چشمگیر نایل گردد.

۴-۲- تأثیرات موفقیت حماس بر طرفهای دخیل مناقشه خاورمیانه

پیروزی حماس می‌تواند بر نظر رأی دهندگان اسرائیلی تأثیر گذارد. حماس به عنوان نیرویی سیاسی که هنوز از به رسمیت شناختن اسرائیل سر باز می‌زند، نماینده مردم فلسطین گردیده است. در سالهای اخیر و در طی دوره تصدی آریل شارون، هیئت حاکمه اسرائیل به این نتیجه رسیده که به دلیل نبود شریک مناسب برای

صلح در بین فلسطینیها (به‌زعم اسرائیل)، توافقات دو جانبه نمی‌تواند راهگشای مناقشه و پایان بخش خشونت‌ها شود. از این رو، شارون با اعمال سیاست یک جانبه که در ساخت دیوار حایل و خروج یک جانبه از نوار غزه مصداق پیدا نمود، در صدد برآمد تا در جهت به قول خود «تأمین امنیت اسرائیل»، اقدام نماید. اگر چه شارون از صحنه‌ی سیاست اسرائیل حذف گردید، اما میراث سیاسی او که در تأسیس حزب کادیم نمایان است، در فضای سیاسی اسرائیل همچنان حضور دارد. نظرسنجیها در طول ماههای اخیر حکایت از برتری کادیم در

انتخابات پارلمان ماه مارس دارد. اگر چه در نگاه اول، پیروزی حماس دغدغه‌ای برای اسرائیل محسوب می‌شود، اما می‌توان گفت پس از گذشت چند ماه و با تداوم آتش بس موجود و اتخاذ رویکردهای میانه‌روانه از جانب حماس (که قابل پیش‌بینی است)، رویکرد اسرائیل مبنی بر عدم مذاکره با رهبران حماس تغییر نماید. اسرائیل بارها اعلام کرده تا زمانی که حماس، اسرائیل را به رسمیت نشناسد، مقررات دولت خودگردان را نپذیرد و از خشونت علیه اسرائیل دوری نجوید، با حماس مذاکره نخواهد نمود. مدتی قبل یکی از تحلیل‌گران روزنامه هآرتص با اشاره به احتمال پیروزی حماس به این نکته اشاره کرده بود که صلح جامع و پایدار در منطقه بدون مشارکت حماس تحقق نخواهد یافت.

در صحنه‌ی داخلی فلسطین، پیروزی حماس به عنوان شوکی برای رقیب سنتی آن یعنی جنبش فتح محسوب می‌شود که سالها براریکه‌ی قدرت در فلسطین سوار بود. فتح که محمود عباس رهبر آن است، در انتخابات اخیر حمایت جامعه بین‌المللی و طرف اسرائیلی را با خود به همراه داشت و در صورت پیروزی احتمال آن می‌رفت که مذاکرات صلح بین فلسطین و اسرائیل آغاز گردد. پیروزی حماس علاوه بر آنکه برهم‌زننده آرایش سیاسی نیروهای موجود در صحنه‌ی سیاست فلسطین می‌باشد، نشان از واکنش مردمی دارد که از

ناکارایی و نابسامانیهای موجود خسته شده‌اند. جامعه بین‌المللی در واکنشی عجولانه، ضمن تجلیل از برگزاری آزاد انتخابات، موضعی در مخالفت با جناح پیروز انتخابات اتخاذ نمود و ضمن تهدید به قطع کمکهای مالی به دولت خودگردان از حماس خواستار شناسایی اسرائیل، پایبندی به تعهدات دولت خودگردان و دوری جستن از خشونت گردید. ایالات متحده پس از آنکه طی سالهای اخیر با شعار دموکراسی سازی در خاورمیانه خواستار تقویت روندها و نهادینه شدن ساز و کارهای دموکراتیک در جوامع منطقه شده بود، در واکنش به پیروزی حماس موضعی همراه با نگرانی از آینده‌ی صلح و لزوم خلع سلاح حماس را عنوان کرد و بر تروریست بودن حماس تأکید نمود.

۳- چشم‌انداز صلح خاورمیانه پس از تحولات اخیر

قطب‌بندی تازه در فضای سیاسی اسرائیل و آرایش نیروها و طیفهای مختلف فکری یهود، جولانگاه سیاست اسرائیل را دستخوش تغییرات جدی کرده است. لیکود که در ۲۸ سال گذشته حدود ۲۰ سال در رأس قدرت بوده محبوبیت خود را به میزان زیادی از دست داده است. حزب کارگر با رهبر تازه کار خود به

شعارهای اصیل حزبی رجعت کرده و حزب تازه تأسیس «پیشرو» بین افکار عمومی در

موقعیت مناسبی قرار دارد. در انتخابات پارلمانی ماه مارس با توجه به قراین موجود احتمال آن می‌رود کاندیداهای منسوب به حزب پیشرو نسبت به کاندیداهای احزاب دیگر در موقعیت بهتری قرار گیرند. از طرفی، حزب کادیم اگر چه حمایت ارتدوکسهای افراطی و شهرک‌نشینان را در پشت سر خود نخواهد داشت، اما همچنان از حمایت اغلب مهاجران به خصوص یک میلیون مهاجر روسی برخوردار خواهد بود. از سوی دیگر، یک لیکود تضعیف شده که رهبری آن به نتانیاهوی قدرت طلب و تندرو سپرده شده است، در جذب آرای جدید کاری دشوار در پیش رو دارد. امیر پرتز نیز اگر چه می‌تواند خود و حزب کارگر را به نیروی دوم در صحنه‌ی سیاسی اسرائیل تبدیل کند، اما به دلیل هراس افکار عمومی از احتمال اعطای امتیازات سخاوتمندانه به فلسطینیها از سوی پرتز و نبود زمینه‌های لازم سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند اکثریت کرسیهای پارلمان را به دست آورد و به عنوان رهبر حزب کارگر به نخست‌وزیری برسد. در ورای چنین آشفتگی بازار سیاسی در اسرائیل می‌توان انتظار تغییر شرایط در روند مذاکرات خاورمیانه، تضعیف رادیکالیسم و تقویت مشی میانه روی سیاسی را در فضای سیاسی اسرائیل داشت.

دگردیسیهای سیاسی و اجتماعی در جامعه اسرائیل به افراطیون سیاسی نیز سرایت نموده



است. اینک فضای سیاسی اسرائیل متأثر از افکار عمومی خسته از تسلسل نیم قرن اشغالگری، ترور، تجاوز، سرکوب و ناآرامی، پنجره‌ای تازه پیش روی خود می‌بیند. اولویت اسرائیل دیگر نه توسعه‌ی سرزمین و تحقق وعده‌های توراتی بلکه حفظ امنیت سرزمینی با تعریف مرزهای مشخص است. هیئت حاکمه اسرائیل به این نتیجه دست یافته است که تا ابد نمی‌توان بر فلسطینیها حکومت کرد. شارون اگر چه در گذشته همواره منتقد و مخالف مشی میانه‌رو در اسرائیل بود، اما خود سرانجام آغازگر فصل نوینی در تاریخ اسرائیل گردید، فصلی که در آن رادیکالیسم بیش از گذشته به حاشیه رفته و مشی میانه‌روی سیاسی غالب گردیده است؛ راه و روشی که در نهایت در سطح مناقشه فلسطینی و اسرائیلی، تشکیل دو دولت و صلح با فلسطینیها را دنبال می‌کند و در سطح منطقه‌ای اولویت خود را پذیرش اسرائیل در محیط پیرامونی و عادی‌سازی این کشور در بین کشورهای منطقه قرار داده است.

فتح و دولت خودگردان در طول سالهای اخیر با جنبش حماس به عنوان یک نیروی سیاسی که وظیفه تشکیل دولت، سامان‌دهی به اوضاع نابسامان فلسطینیها و تعامل با جهان خارج را بر عهده خواهد داشت. با توجه به تحولات داخلی در اسرائیل و فلسطین، احتمال بروز انتفاضه‌ی سوم بعید به نظر می‌رسد. هر دولتی در اسرائیل در آینده (فارغ از تعلقات حزبی) دو محور اساسی را در نظر خواهد داشت. اول آنکه امنیت اسرائیل دیگر با گسترش سرزمین و حفظ سیطره بر اکثریت فلسطینیها در اراضی اشغالی تأمین نمی‌گردد و دوم آنکه اسرائیل راه حل مبتنی بر دو دولت را پذیرفته و آن را دنبال می‌کند و دولتهای آینده‌ی اسرائیل باید آمادگی خروج از اراضی بیشتری را در کرانه غربی داشته باشد. به نظر می‌رسد میراث شارون برای فردای اسرائیل نه فعالیتهای نظامی و سرکوب‌گرانه و خشونت بار دهه‌های اول زندگی او بلکه تغییر در دیدگاههای سیاسی وی و گرایش به رویکرد میانه‌رو باشد، اگر چه این تمایل را برخی در قالب اجبار و یا اکراه ببینند.

فرجام

با بررسی علل و زمینه‌های پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی اخیر و دقت در شعارها و سیاستهای قبلی حماس و مواضع یک سال حماس بر قدرت‌گیری اعضا و هواداران آن در پارلمان و کابینه می‌تواند در چگونگی نگاه اسرائیل به موضوع مناقشه با فلسطینیها مؤثر باشد و روند صلح را با مشکلاتی مواجه سازد. اگر چه می‌توان گفت حماس به عنوان یک جنبش مقاومت اسلامی و منتقد جناح حاکم

مشی میانه‌رو و پراگماتیستی را دنبال کردند، می‌تواند سرلوحه حماس قرار گیرد. ورود احزاب اسلام‌گرای ترکیه از اوایل دهه‌ی ۷۰ در فرآیندهای سیاسی، مشارکت اسلام‌گرایان اردنی از اوایل دهه‌ی ۹۰ تاکنون در فرآیندهای انتخاباتی و ورود به ارکان قدرت، رویکرد میانه روی جنبش اخوان المسلمین در دهه‌های اخیر و افزایش نقش و جایگاه اخوان پس از انتخابات اخیر و موفقیت حزب ... لبنان در عرصه‌ی سیاسی و نظامی و در پیش گرفتن مشی میانه‌رو در رویکردهای سیاسی نیروهای اسلام‌گرا در دیگر کشورهای منطقه نمونه‌های زیادی است که می‌توان ادامه حرکت حماس را در آن جهت و راستا دید. (خالد مشعل در جریان دیدار خود از آنکارا، از ترکیه به عنوان الگوی دموکراتیک حماس نام برد).

۲- حماس اولویت خود پس از تشکیل پارلمان و انتخاب کابینه را سامان‌دهی و رفع ناکارآمدی و مبارزه با فساد درونی در دولت خودگردان اعلام کرده است. این جنبش از مواجهه و رویارویی مستقیم با رهبران قدیمی جنبش حمایت و شخص محمود عباس پرهیز و تمام تلاش خود را معطوف به خدمت رسانی و عمل به تعهداتش خواهد کرد.

اخیر این جنبش و نیز موفقیت‌های حماس در انتخابات شوراهای محلی و انتخابات اخیر نیز می‌توان چنین استنباط نمود که:

۱- حماس به رویکرد گذشته خود مبنی بر لزوم نابودی اسرائیل از طریق مبارزه مسلحانه رجعت نخواهد کرد. خالد مشعل پس از پیروزی حماس در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی از احتمال آتش بس طولانی با اسرائیل سخن گفت و برقراری صلح و امنیت در منطقه را به خروج اسرائیل از اراضی اشغالی جنگ سال ۱۹۶۷ منوط دانست (یعنی موضع چند دهه اخیر فتح، دولت خودگردان و جهان عرب). مقامات ارشد حماس که هوشمندی، توانایی و مشی پراگماتیستی خود را در یک سال اخیر نشان داده‌اند، در ماه‌های آتی به تعامل با جهان خارج می‌پردازند. حماس از پیشنهاد روسیه برای برقراری تماس و مذاکره با حماس استقبال نمود و دیگر رهبران حماس چون اسماعیل هنیه و سامی ابوزهری نیز در مواضعشان همواره از گفتگو و رایزنی با طرفهای دخیل در مناقشه سخن گفته‌اند. اگر چه موقعیت فلسطین و وضعیت مناقشه فلسطینی - اسرائیلی قابل قیاس و شبیه‌سازی با کشورهای دیگر نیست، اما تجربه گروه‌های اسلام‌گرا که پس از رسیدن به قدرت

دیپلماسی (و نه صرفاً شیوه‌های خشونت بار) این خوش‌بینی واقع‌گرایانه به ذهن متبادر می‌شود که گره ناگشوده‌ی طولانی‌ترین مناقشه‌ی تاریخ به دست حماس و کادیما می‌تواند باز شود. حسنی مبارک دو سال پیش و در جریان ارائه طرح خروج اسرائیل از غزه توسط شارون، از آن به عنوان فرصتی برای صلح یاد کرده بود. اگر چه شارون نیست اما میراث سیاسی وی همچنان باقی است: پذیرش راه حل دو دولت و غیرممکن بودن سلطه‌ی همیشگی بر فلسطینیها. از شواهد و قرائن چنین استنباط می‌شود که جامعه‌ی فلسطینی خسته از نیم قرن سرکوب و نابسامانی نیز در نهایت راه حل دو دولت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی غزه و کرانه باختری را خواهند پذیرفت.

پانوشتها

1. newsvote.bbc.co.uk/2/middle-esst/4595.
2. www.foreignpolicy.com.
3. www.washingtoninstitute.org (29.11.05).
4. www.haaretz.com (12/4/2005).
۵. محمود دهقانی، حماس و واقعیت‌های جدید، گاهنامه شماره ۸۴، مرکز تحقیقات استراتژیک، بهمن ۸۳.
6. www.Washingtoninstitute.org, Homos Rise and Istoe's choice, Rober Satloff, January, 26. 2006.

۳- پس از انتخابات فروردین ماه در اسرائیل که در آن پیروزی نامزدهای نزدیک به حزب تازه تأسیس کادیما و نخست‌وزیری اهودالمرت محتمل به نظر می‌رسد، المرت رویکرد کادیما مبنی بر تشکیل دو دولت و جداسازی از فلسطینیها را با خروج از بخشهای وسیع‌تری از کرانه غربی و تکمیل دیوار حایل دنبال خواهد کرد. حماس پس از تشکیل دولت، اگر چه تلاش خواهد کرد از رویارویی مستقیم با مقامات اسرائیلی پرهیز کند، اما پس از موافقت با آتش بس طولانی با اسرائیل، رئیس‌حکومت خودگردان را مأمور مذاکره با اسرائیل خواهد نمود.

انتظار کوتاه مدت و میان مدت برای پایان مناقشه فلسطینی - اسرائیلی و رسیدن به صلح پایدار در منطقه با توجه به دشواریها و پیچیدگیهای مسئله و باقی ماندن مشکلات لاینحل (تعیین مرزها، سرنوشت بیت‌المقدس، بازگشت آوارگان) آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد اما با بررسی تغییرات سیاسی طرفین و وقوف به این نکته اساسی که دگردیسیهای سیاسی، اجتماعی در جامعه‌ی فلسطین و اسرائیل که با به حاشیه رفتن اندیشه‌های افراطی و خشونت بار در طرف اسرائیلی و رویکرد مثبت افکار عمومی و رهبران جناحهای مختلف فلسطینی به کارایی شیوه‌های سیاسی و استفاده از ابزارهای